

Comparison of the Use of Virtual Social Networks, Attachment Styles, and Self-Knowledge between Female and Male Students

Yadollah Ghasemipour * | Psychology Department, Faculty of
Humanities, Malayer University

Friba Saeidi  | Psychology Department, Malayer
University

Abstract

The present study aimed to compare virtual social network use, attachment styles, and self-knowledge among male and female students. The present study was a causal-comparative study. Using cluster sampling, 207 students (male=96, female=111) were selected among students of Malayer University as a statistical population. A questionnaire consisting of an attachment scale, and a self-knowledge scale was filled out by sample groups. Students were asked about the amount they use virtual social networks such as Telegram, Instagram, WhatsApp, Imo, Line, and Facebook over 24 hours. Data were analyzed by multivariable analysis of variance. The residence place of students (dormitory and home) statistically was controlled. Results showed statistically significant differences ($P<0/05$) in self-knowledge, avoidant style of attachment, and amount of social network usage between male and female students. Female students had higher scores of self-knowledge than males but lower scores of the avoidant style of attachment and lower levels of social network use. Based on the results, psychological interventions of self-knowledge and attachment in male students' relationships in social networks seem to be useful.

Keywords: Attachment Styles, Self-Knowledge, Virtual Social Networks.


* Corresponding Author: y.ghasemipour@malayeru.ac.ir

How to Cite: Ghasemipour, Y., Saeidi, F. (2022). Comparison of the Use of Virtual Social Networks, Attachment Styles, and Self-Knowledge between Female and Male Students, *Journal of New Media Studies*, 8(30), 181-206.




مقایسه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سبک‌های دل‌بستگی و خودشناسی در بین دانشجویان دختر و پسر

استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر،
همدان، ایران

یداله قاسمی پور * 

کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه ملایر، همدان، ایران

فریبا سعیدی 

چکیده

هدف این پژوهش مقایسه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سبک‌های دل‌بستگی و خودشناسی در دانشجویان دختر و پسر است. پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی دانشجویان دانشگاه ملایر در سال تحصیلی ۱۳۹۶ و نمونه آن شامل ۲۰۷ نفر (دختر = ۱۱۱، پسر = ۹۶) بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از مقیاس‌های دل‌بستگی هازن و شیور (۱۹۸۷)، خودشناسی قربانی و واتسون (۲۰۰۸) و میزان ساعاتی که آزمودنی در شبانه‌روز صرف استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی از جمله تلگرام، اینستاگرام، واتس‌آپ، ایمو، لاین، فیس‌بوک می‌کند، استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون آماری تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. محل زندگی به صورت متغیر هم پراش کنترل شد. نتایج نشان داد بین دختران و پسران در متغیر خودشناسی، سبک دل‌بستگی اجتنابی و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی تفاوت معنادار وجود دارد ($P < 0/05$). خودشناسی در دختران بالاتر از پسران بود و میزان استفاده از شبکه‌ها در پسران بیشتر و سبک دل‌بستگی اجتنابی در پسران بیشتر از دختران بود؛ بنابراین، آموزش‌های روان‌شناختی در ارتباط با خودشناسی و دل‌بستگی در روابط پسران می‌تواند در میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی آن مفید واقع شود.

کلیدواژه‌ها: خودشناسی، سبک‌های دل‌بستگی، شبکه‌ها اجتماعی مجازی.

مقدمه

جهان اجتماعی در حال تغییر است و یکی از عوامل اصلی تحول در دنیای کنونی، دستاوردهای تکنولوژیک جدید و متأخر بشری می‌باشد. دستاوردهایی که به‌عنوان «رسانه‌های نوین» شناخته می‌شوند (تهرانیان، ۱۳۵۵؛ به نقل از خانیکی، ۱۳۹۴). از جمله این رسانه‌های نوین، شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی است (عدلی پور، میرمحمدتبار، افشار و سهرابی، ۱۳۹۴). مک‌لوهان^۱ (۱۹۹۷) استدلال می‌کند که رسانه‌های هر عصر، ماهیت جامعه آن عصر را تعیین می‌کنند. وی رسانه‌های ارتباطی را عصاره تمدن می‌داند و معتقد است که تاریخ از طریق رسانه‌های غالب در هر عصر و زمانی هدایت می‌شود. او به‌عنوان منادی ایده دهکده جهانی، بیان می‌کند به‌وسیله پیام است که تأثیرات شگرف فناوری بر الگوهای رفتاری و ساخت‌های اجتماعی اعمال می‌شود (آذری، ۱۳۷۷؛ به نقل از خدایاری، دانشورحسینی و سعیدی، ۱۳۹۳). علی‌رغم فواید این ارتباطات مجازی که زندگی بشر را متحول کرده است، فضای مجازی به‌عنوان یک شمشیر دو لبه زیان‌هایی را نیز نصیب افراد کرده است. از آنجاکه در فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان نوع جدیدی از وبسایت‌ها متولد شده‌اند و کاربردها، کاربران و طرفداران بسیاری پیدا کرده‌اند، استفاده زیاد و رابطه‌هایی که از طریق شبکه‌های مجازی صورت می‌گیرد معلول علت‌های روان‌شناختی از جمله عوامل بین فردی و درون فردی است که مورد توجه جامعه شناسان و روان‌شناسان قرار گرفته است. شبکه‌های اجتماعی یکی از انواع رسانه‌های اجتماعی محبوب محسوب می‌شوند و محلی برای شکل‌گیری جماعت‌های مجازی و شبکه‌سازی کاربران اینترنتی هستند (سهرابی، رئیسی و طالبیان، ۱۳۹۵). امروزه، اصطلاح «شبکه اجتماعی مجازی» در همه فرهنگ‌ها وارد شده و تعاریف و ویژگی‌های متعددی برای آن بر شمرده‌اند (افراسیابی، ۱۳۹۳). شبکه‌های اجتماعی مجازی زیرمجموعه‌ی فناوری‌هایی هستند که به رسانه‌های اجتماعی معروف شده‌اند (صرف‌زاده و علوی، ۱۳۹۲). شبکه اجتماعی مجازی که ممکن است شامل یک وبسایت باشد، باعث ارتباط بین

^۱ Mc Luhan

کاربران خود (مانند افراد یا سازمان‌ها) می‌شود. شبکه‌های اجتماعی ممکن است با استفاده از ورودی یک کاربر، یک سیستم نمایه کاربر در ارتباط با کاربر ایجاد و ذخیره شود. مشخصات کاربر ممکن است شامل اطلاعات دموگرافیک، اطلاعات کانال ارتباطی و اطلاعات مربوط به منافع شخصی کاربر باشد. سیستم اجتماعی شبکه همچنین ممکن است با ورودی کاربر، ایجاد و ذخیره رکورد روابط کاربر با دیگر کاربران سیستم شبکه اجتماعی و همچنین ارائه خدمات (مانند پست‌های دیوار، اشتراک عکس، سازمان رویداد، پیام‌ها، بازی‌ها و یا تبلیغات) برای تسهیل تعامل اجتماعی بین کاربران باشد. (Vaccari, Jia, 2018)؛ اما علی‌رغم فواید شبکه‌های اجتماعی، آسیب‌هایی نیز در این رابطه وجود دارد که ناشی از استفاده مفرط از این شبکه‌هاست. برای مثال ادیک و سیکریسکی (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که استفاده زیاد از اینترنت منجر به مشکلات روان‌شناختی در دانشجویان می‌شود. پژوهش‌ها، ارتباط کم با همسالان، احترام به خود پایین، احساس تنهایی، افسردگی و اضطراب بالا را نتیجه استفاده مفرط از فضای مجازی می‌دانند (مثلاً: Chamorro, 2016 Oberst, Wegmann, Stodt, Brand, 2016)، هرچند برخی از پژوهش‌های دیگر چنین مشکلاتی را مقدمه استفاده بیش‌ازحد از فضای مجازی می‌دانند (Gamez-Guadix, 2014). به‌رحال به دلیل نوع مطالعات پس‌رویدادی در این زمینه، نمی‌توان جهت این رابطه‌ها را مشخص کرد. در پژوهش حاضر سبک‌های دلبستگی به‌عنوان ویژگی‌هایی که در دوران کودکی شکل می‌گیرد و خودشناسی به‌عنوان متغیر نزدیک‌تر و قابل‌تغییرتر در ارتباط با استفاده از فضای مجازی در نظر گرفته شده‌اند.

پژوهش‌های گسترده‌ای در مورد گرایش افراد به استفاده زیاد از شبکه‌های مجازی صورت گرفته است (مثلاً: فرقانی و مهاجری، ۱۳۹۷). جعفری، کردی و تاجیک اسماعیلی (۱۳۹۶) در پژوهشی به‌عنوان میزان و نوع استفاده از نرم‌افزارهای جانبی تلفن همراه (همچون تلگرام، وایبر و...) در میان زنان ۲۰ تا ۳۰ سال منطقه ۵ تهران به این یافته‌ها دست پیدا کردند که میانگین استفاده از این نرم‌افزارها در میان تهرانی‌ها ۴/۶ ساعت بوده است. ۲/۶ درصد از نمونه‌های پژوهش تنها از نرم‌افزارهای بازی و سرگرمی استفاده می‌کنند که

در شبکه‌های مجازی عضویت ندارند و ۵۹/۲ درصد نیز تنها از شبکه‌های مجازی استفاده می‌کنند و ۳۸/۲ درصد نیز هم‌زمان از هر دو نرم‌افزارها استفاده می‌کنند. همچنین از میان این شبکه‌ها فیس‌بوک با بیشترین مقدار استفاده و تیک‌تاک با کمترین مقدار استفاده قرار داشتند.

از جمله دلایل مهم این گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، عوامل جمعیت‌شناختی می‌باشد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند بین میزان استفاده از اینترنت، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در جنسیت تفاوت وجود دارد، بدین گونه که مردان بیشتر از زنان از اینترنت و فضای مجازی استفاده می‌کنند (میرغفوری و رودپشتی، ۱۳۸۹؛ خداایاری، حسینی و سعیدی، ۱۳۹۳؛ Menon, Narayanan, Lakshmi, & Kahwaji, 2015; Dufour et al., 2016; ۲۰۱۸; همچنین در پژوهش‌های مرادی، رجب‌پور، کیان‌ارثی، حاجلو و رادبخش (۱۳۹۳) پوه^۲(۲۰۱۷)، لی، کو و چو^۳(۲۰۱۵)، میها و هووانگ^۴(۲۰۱۴) این نتایج به‌دست آمد که مردان بیشتر از زنان تحت تأثیر آسیب‌های اینترنت، اعتیاد به اینترنت و گوشی همراه هستند و انگیزه‌های استفاده از این شبکه‌ها متفاوت است، ولی حسینی بهشتیان (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که دختران بیشتر در معرض اعتیاد به فضای مجازی قرار دارند. به‌طور کلی پژوهش‌ها نشان داده‌اند بین میزان استفاده و اعتیاد به اینترنت در جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد و این تفاوت بدین گونه است که پسران بیش از دختران از اینترنت و این شبکه‌های مجازی استفاده می‌کنند؛ اما این پژوهش‌ها ارتباطی بین جنسیت و عوامل روان‌شناختی ایجاد نکرده‌اند. علت چنین تفاوتی می‌تواند در پویایی‌های بین‌فردی و درون‌روانی روان‌شناختی نهفته باشد. در این پژوهش دلستگی به‌عنوان متغیر بین فردی و خودشناسی به‌عنوان یک متغیر درون‌روانی انتخاب شده‌اند.

تئوری دلستگی بر تمایلات و تمایلات افراد در توسعه روابط آن‌ها تمرکز دارد

^۲Pugh

^۳Lee, Ko & Chou

^۴Mi Ha & Hwang

(Bowlby, 1969؛ به نقل از Meredith, 2018). به‌طور خاص، نظریه دلبستگی عنوان می‌کند تجارب منحصربه‌فرد بین فردی در دوران کودکی (به‌عنوان مثال، در دسترس بودن و پاسخگویی والدین) درک افراد و انتظارات از روابط و نحوه رفتار آن‌ها را در روابط آتی شکل می‌دهد (Ainsworth, Blehar & Wall, 1978؛ به نقل از Meredith, 2018). به‌عبارت‌دیگر، دلبستگی الگویی است که بر مبنای روابط اولیه‌ی فرد با والدین یا مراقبین خود شکل می‌گیرد و به مناسبات و روابط بین شخصی در آینده منجر می‌شود. این الگو می‌تواند ایمن-ناایمن، دوسوگرا و اجتنابی باشد (Bowly, 1996; Ainsworth, 1978؛ به نقل از Tanner, 2018). بر این اساس، فعالیت سیستم دلبستگی، محدود به دوران کودکی نبوده و در تمام طول زندگی و پیوندهای عاطفی دیگری چون دوستی‌ها، ازدواج، روابط خویشاوندی و غیره فعال باقی می‌ماند و انسان‌ها در هیچ سنی به‌طور کامل از احساس اعتماد نسبت به افراد مهم زندگی آزاد نیستند (Ainsworth, 1989؛ به نقل از صدیقی ارفعی و نجاریان، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد سبک‌های دلبستگی در پیوندهای عاطفی در فضای مجازی هم فعال باشد که به‌نوبه خود میزان استفاده از شبکه‌های مجازی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دلبستگی ایمن در بزرگ‌سالان به‌وسیله توانایی تمایل به ایجاد روابط نزدیک و میل به اعتماد شکل می‌گیرد. بزرگ‌سالان با سبک دلبستگی ایمن، دارای روابط با کیفیت، امن، نزدیک و پایدار هستند (Shaver & Mikulincer, ۲۰۰۲؛ به نقل از Elsey, ۲۰۱۸). یک رابطه امن با فردی که به او احساس دلبستگی می‌کنیم و به ما پاسخ می‌دهد و موجب اعتماد به نفس در ما می‌شود (Ainsworth, 1991؛ به نقل از Elsey, 2018). افراد با دلبستگی دوسوگرا تمایل زیاد به ایجاد پیوند دلبستگی با یک شریک دارند، اما به‌طور مداوم ترس از طرد شدن دارند (Shaver & Howzen, 1994؛ به نقل از Elsey, 2018). آن‌ها بیش از حد تصویب و تأیید سایر افراد را جستجو می‌کنند و به‌طور پیوسته از رها شدن می‌ترسند و در بزرگ‌سالی این سبک دلبستگی، با نیاز به کنترل و نگرانی برای ایجاد روابط صمیمی مشخص می‌شود (Shaver & Mikulincer, ۲۰۰۲؛ به نقل از Elsey, ۲۰۱۸). از سوی دیگر، دلبستگی اجتنابی اشاره به تلاش برای از دست دادن پدر و مادر

برای رسیدن به استقلال کامل است (Ainsworth & Bowlby, 1991)؛ به نقل از Xiang & Liu, 2001).

به دلیل اینکه استفاده از شبکه‌های مجازی به نوعی یک ارتباط اجتماعی است می‌تواند تحت تأثیر سبک دلبستگی فرد به عنوان یک عامل روان‌شناختی قرار داشته باشد (Fraley & Hudson, 2017). به عبارتی دلبستگی در بروز رفتارهای مختلف از جمله استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان جلوه‌ای از روابط بین فردی نقش دارد (Ji, Wang, Zhang & Zhu, 2014)، با توجه به سبک دلبستگی، میزان استفاده از این شبکه‌ها می‌تواند متفاوت باشد (Odacı, & Çıkrıkçı, 2014).

پژوهش در مورد رابطه دلبستگی و استفاده از فضای مجازی یافته‌های متناقضی به دست داده است. مظاهری‌نژادفرد، معتمدی، زیودار، پور اسدی و فراهانی (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیدند که بین دلبستگی و اعتیاد به اینترنت رابطه وجود دارد؛ اما ادیک و چیکریکچی^۵ (۲۰۱۴) نشان دادند رابطه بین میزان استفاده از اینترنت به نسبت سبک دلبستگی متفاوت است. داودی، مهربابی‌زاده‌هنرمند و هاشمی (۱۳۹۶) به این نتیجه رسیدند که سبک‌های دلبستگی ناایمن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجورخویی و گشودگی به تجربه و سبک‌های هویت زودرس و سردرگم روی آمادگی اعتیاد تأثیر دارند. مغنی‌زاده و وفایی‌نجار (۱۳۹۵) در مورد رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان به این نتیجه رسیدند که سبک دلبستگی ایمن با نمره‌ی کل اعتیاد به اینترنت، همبستگی مثبت معنی‌داری دارد و بالا بودن نمرات سبک دلبستگی ایمن در دانشجویان با اعتیاد آنان به اینترنت همراه است. به نظر می‌رسد این یافته‌ها باید با احتیاط تعبیر و تفسیر شود؛ زیرا مطابق با مفروضه پژوهش حاضر هرچه دلبستگی ایمن بالاتر باشد رفتارهای اعتیادی از جمله اعتیاد به فضای مجازی پایین می‌آید. به این دلیل که در دلبستگی ایمن ترس از روابط حقیقی وجود نداشته و ایجاد یک پیوند انسانی صادقانه و اصیل امکان‌پذیر می‌گردد و نیازی به استفاده مفرط از فضای مجازی به

^۵Odacı, & Çıkrıkçı

خاطر پیوندهای مجازی نیست. هرچند حسین ثابت، جهانگرد و معتمدی (۱۳۹۵) و اللهیاری، حیدری و ژیان (۱۳۹۴) نیز دریافتند بین سبک‌های دل‌بستگی و میزان استفاده از فیس‌بوک رابطه وجود ندارد، اما قمری، گیوی و مجرد (۱۳۹۵) در پژوهشی دریافتند سبک‌های دل‌بستگی (دوسوگرا، اجتنابی و ایمن) با گرایش به اعتیاد رابطه دارند. هم‌چنین، اللهیاری، حیدری و ژیان (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌های دل‌بستگی نایمن و اعتیاد به تلفن همراه ارتباط وجود دارد و اعتیاد به موبایل از طریق سبک دل‌بستگی قابل پیش‌بینی است. کانک و گیگلر و برسکی و میکلوسی^۶ (۲۰۱۶) نیز در پژوهشی مشابه دریافتند اضطراب دل‌بستگی بالا، دل‌بستگی بیشتری را نسبت به تلفن همراه پیش‌بینی می‌کند. علاوه بر این، پژوهش‌هایی در مورد عوامل روان‌شناختی و جمعیت شناختی به‌صورت توأمان انجام شده است. برای مثال، بلک ول، لیمن، ترامپچ و لیس^۷ (۲۰۱۷) به این نتیجه دست یافتند که در افراد جوان سبک دل‌بستگی و ترس از دست دادن، میزان استفاده از این شبکه‌ها را افزایش می‌دهد، اما فقط ترس از دست دادن، اعتیاد به اینترنت را پیش‌بینی می‌کند. ادیک و چیکریکچی (۲۰۱۴) نیز به این نتیجه رسیدند که استفاده زیاد از اینترنت منجر به مشکلات روان‌شناختی در دانشجویان دانشگاه می‌شود و استفاده زیاد از اینترنت به نسبت جنسیت و سبک دل‌بستگی متفاوت است.

از طرفی حسینی‌خواه و واحدیان (۱۳۹۰) نشان دادند بین جنسیت و سبک‌های دل‌بستگی تفاوت معناداری وجود ندارد. به نظر می‌رسد علاوه بر جنسیت و دل‌بستگی، عامل سومی یافته‌های متناقض در این حوزه را توضیح دهد. دل‌بستگی موضوعی است که در کودکی شکل می‌گیرد و در بزرگسالی حوزه‌های مختلف زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما چه راهی برای اصلاح این روابط متناقض معیوب بر اساس دل‌بستگی و جنسیت وجود دارد؟ پاسخ این سؤال به نظر می‌رسد در ساحت دیگری از سیستم روانی یعنی ساحت خبری یا اطلاعاتی نهفته باشد. خودشناسی^۸ و آگاه شدن به این سبک‌های دل‌بستگی

^۶Konok, Gigler, Boróka & Miklósi

^۷Blackwell, Leaman, Tramposch & Liss

^۸Self-knowledge

و نوع روابط می‌تواند میزان استفاده از شبکه‌های مجازی را علی‌رغم جنسیت و روابط موضوعی دوران گذشته‌شان که تا حدودی جبری هستند تعدیل نماید؛ به عبارت دیگر، خودشناسی به‌عنوان یک متغیر درون روانی می‌تواند در دختران و پسران تفاوت داشته باشد. خودشناسی عبارت است از آگاهی لحظه‌به‌لحظه فرد نسبت به حالات روان‌شناختی و توان تمایز نهادن و تحلیل محتوای تجارب کنونی و نیز پردازش شناختی فعال درباره خود و معطوف به رویدادهای گذشته. هدف خودشناسی، ایجاد دید وسیع‌تر برای هدایت رفتار و تشکیل طرح‌واره‌های فردی پیچیده‌تر و کامل‌تر است (طهماسب، ۱۳۸۴؛ به نقل از فتوحی بناب، حسینی نسب و هاشمی، ۱۳۹۰)؛ به عبارت دیگر خودشناسی نوعی فرآیند روان‌شناختی پویا، انطباقی و انسجام بخش است که کارکردی زمانمند دارد. ظرفیت فهم فرایندها و تجربه‌های درونی به شکلی زمانمند و سازمان‌یافته، به‌منظور نظم بخشیدن به خود، خودشناسی انسجامی نامیده می‌شود (Ghorbani, Watson, Bing, Davison, Le Breton, 2003; Ghorbani, Watson,) & Hargis, 2008). خودشناسی فرآیندی انسجام بخش است، زیرا تجارب و صفات «خود» را در سنتزی معنادار وحدت می‌بخشد. خودشناسی فرآیند انطباقی است، زیرا به‌واسطه خودنظم‌دهی می‌تواند به بهزیستی «خود» یاری رساند. خودشناسی فرآیندی پویا است، زیرا باید به شرایطی پاسخ دهد که دائماً در تغییر هستند. از این‌رو، خودشناسی مستلزم آگاهی به تجارب کنونی و ارتباط دهی آن‌ها به گذشته است. برپایه این مفهوم‌سازی، خودشناسی انطباقی (به معنای حقیقی) دربرگیرنده خودشناسی تجربه‌ای^۱ و خودشناسی تأملی^۲ است. «خودشناسی تجربه‌ای»، پردازش پذیرنده اطلاعات مرتبط با خود است که برحسب تغییرات لحظه‌به‌لحظه و پویای آن در زمان حال صورت می‌پذیرد. خودشناسی تجربه‌ای، نوعی آگاهی به حالات روان‌شناختی جاری است که فرد را در پردازش محتوای تجارب کنونی و تفکیک آن‌ها از یکدیگر توانمند می‌سازد. خودشناسی تجربه‌ای، دروندادی بلافصل از تجارب فردی فراهم می‌آورد که برای مقابله با چالش‌ها و دستیابی به اهداف الزامی است و همچنین از صور خودکار و

۱ Experiential

۲ Reflective

بی‌اختیار پاسخ‌دهی جلوگیری می‌کند. از سویی دیگر، «خودشناسی تأملی» عبارت است از پردازش شناختی اطلاعات مربوط به خود، که مرتبط با گذشته است. در خودشناسی تأملی، فرد از طریق کنش‌های شناختی عالی و پیچیده‌تر به تحلیل تجارب فردی می‌پردازد و از این رهگذر به طرح‌واره‌های ذهنی پیچیده‌تری دست می‌یابد که می‌تواند چشم‌اندازی وسیع برای هدایت رفتار فراهم کند (Ghorbani, et al, 2003). در این پژوهش خودشناسی انسجامی که دربرگیرنده هر دو نوع خودشناسی است سنجیده شده است. خودشناسی تجربه‌ای و تأملی، با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ دارند و با گستره وسیعی از متغیرها به گونه‌ای مشابه همبسته‌اند. باین حال در خلال شرایط دشوار و چالش‌برانگیز که نیازمند توجهی دقیق به خود در زمان حال است، خودشناسی تجربه‌ای و جهی غالب دارد. در چنین شرایطی، اتکاء بیش‌ازحد به خودشناسی تأملی می‌تواند پاسخ‌دهی عادت گونه را که با واقعیات تجربه‌ای کنونی ارتباطی اندک دارد سبب گردد. متقابلاً، خودشناسی تجربه‌ای بدون بهره‌گیری از خودشناسی تأملی به ناکامی در بهره‌مندی از بینش‌ها و تجارب گذشته در جهت تحلیل شرایط کنونی، خواهد انجامید (قاسمی‌پور، ۱۳۸۵). خودشناسی تجربه‌ای و تأملی با هر دو عامل آگاهی به حالات درونی^۱ و خود تأمل‌گری^۲ دارای همبستگی است، اما با خود تمرکزگری و سواس گونه یا خودشیفتگی ارتباطی ندارد. فرض بر این است که خودشناسی انطباقی و سالم باید مستلزم توانایی توجه واضح به تجارب جاری باشد (خودشناسی تجربه‌ای) و از تجارب گذشته یاری بگیرد (خودشناسی تأملی)، (Ghorbani, et al, 2003).

پژوهشی که در آن خودشناسی و میزان استفاده از فضای مجازی بررسی شود، یافت نشد. قربانی و همکاران (۲۰۰۳) در شش پژوهش مختلف و در زمینه‌ای بین فرهنگی به طراحی و اعتباریابی مقیاس‌هایی جهت سنجش دو وجه خودشناسی اقدام نمودند. نتایج حاصل از پژوهش‌های مذکور را می‌توان بدین ترتیب خلاصه نمود: خودشناسی تجربه‌ای و تأملی، هوش هیجانی بالاتر، نیاز به شناخت، مسند درونی کنترل، خودشکوفایی، ارزش‌های

^۱ Internal State Awareness

^۲ Self-Reflectiveness

فردگرایانه و ارزش‌های جمع‌گرایانه را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین این دو وجه، با تفکر معطوف به خارج آلکسی تایمیک و خودشیفتگی همبستگی منفی دارند. افزون بر این، خودشناسی تجربه‌ای و تأملی واجد برخی استلزامات رفتاری نیز هستند. افرادی که خودشناسی بالایی دارند، از جانب دوستان خود چنین توصیف شدند: در تعامل با سایرین بینش بالاتری نسبت به خود دارند، از تجارب روان‌شناختی درونی خود بیشتر آگاه‌اند و کنترل بیشتری برخوردارند. بدین ترتیب، یافته‌های مبتنی بر گزارشهای دگرسنج، نشانگر نقش خودشناسی در تبیین رفتارها و روابط بین فردی است (Ghorbani, et al, 2003).

به نظر می‌رسد نقص در خودشناسی و شناخت نسبت به خود در نوع دلبستگی می‌تواند فرد را به‌طور بی‌هدف در فضای مجازی سردرگم سازد. با توجه به این که کاربری اینترنت در سراسر جهان به‌ویژه کشورهای جهان سوم و به‌ویژه ایران، با نوعی شکاف جنسیتی روبه‌رو است (میرغفوری و شفیع رودپشتی، ۱۳۹۱) و با توجه به نتایج ضدونقیض در مورد میزان استفاده و اعتیاد به اینترنت در دختران و پسران، این سؤال پیش می‌آید آیا بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در دختران و پسران دانشجو تفاوت وجود دارد؟ با توجه به برخوردهای متفاوت والدین، اطرافیان و محیط، با کودک دختر و پسر که در شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی سهم هستند و تفاوت‌های فیزیولوژیکی و جسمی و روحی در دختران و پسران، این سؤال پیش می‌آید آیا بین سبک‌های دلبستگی و خودشناسی دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد؟ بنابراین مطابق با آنچه بیان شد سه فرضیه پژوهشی ذیل شکل می‌گیرد:

- ۱- بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین سبک‌های دلبستگی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین خودشناسی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای بوده و جامعه‌ی موردنظر شامل تمامی دانشجویان

مقایسه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سبک‌های ...؛ فاسمی‌پور و سعیدی | ۱۹۳

دختر و پسر دانشگاه ملایر در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بوده است. نمونه پژوهش شامل ۲۰۷ نفر (دختر = ۱۱۱، پسر = ۹۶) بود. دامنه سنی شرکت کنندگان در پژوهش بین ۱۸ تا ۲۶ سال بود ($M=20/80, SD=2/60$) و در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بودند. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی انجام گرفت، یکی از روش‌های تعیین حجم نمونه استناد به مقادیر رایج و پژوهش‌های همبستگی است. در پژوهش‌های توصیفی، نمونه‌ای به حجم حداقل ۱۰۰ نفر ضروری است. در پژوهش‌هایی از نوع همبستگی، حداقل حجم نمونه ۵۰ نفر برای بیان چگونگی رابطه، ضرورت دارد. برای پژوهش‌هایی از نوع آزمایشی و علی مقایسه‌ای حجم نمونه حداقل ۳۰ نفر در هر گروه توصیه می‌شود (دلاور، ۱۳۸۹)؛ بنابراین در این پژوهش برای اجتناب از افزایش خطای نوع اول و افت آزمودنی حدود ۱۰۰ نفر از هر گروه انتخاب گردید.

ابزار پژوهش:

در این پژوهش برای سنجش متغیرها از مقیاس دل‌بستگی بزرگ‌سال هازن و شیور (۱۹۸۷)، مقیاس خودشناسی قربانی و واتسون (۲۰۰۸) و برای میزان استفاده از شبکه‌های مجازی، میزان خودگزارشی ساعات صرف شده در شبانه‌روز به در شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده شد که در ذیل به توضیح مقیاس‌های مورداستفاده پرداخته شده است.

مقیاس دل‌بستگی بزرگ‌سال: این سیاهه که با استفاده از ماده‌های آزمون دل‌بستگی هازن و شیور ۱۹۸۷ ساخته شد، در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است (بشارت، ۱۳۸۴). یک آزمون ۱۵ ماده‌ای است و سه سبک دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس پنج‌درجه‌ای طیف لیکرت از خیلی کم ۱- تا خیلی زیاد ۵- می‌سنجد. بدین گونه که هر فرد در هر زیرمقیاس نمره‌ای را به دست می‌آورد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در هر یک از زیرمقیاس‌ها به ترتیب ۵ و ۲۵ است. ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) خرده مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل نمونه به ترتیب برابر با ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۵۸، برای

دانشجویان دختر به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۵، ۰/۸۶، گزارش شده است که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است (قنبری هاشم آبادی، ۱۳۹۰، به نقل از بشارت و همکاران، ۱۳۹۲). در تحقیقی که توسط پاکدامن (۱۳۸۰) بر روی یک نمونه‌ی ۱۰۰ نفری از (۵۰ پسر، ۵۰ دختر) انجام گرفت، پایایی بازآزمایی به ترتیب برای دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا، اجتنابی و ایمن برابر با ۰/۷۶، ۰/۵۲، ۰/۳۷ و میزان آلفای کرونباخ نیز برابر با ۰/۷۹ به دست آمد (بشارت و همکاران، ۱۳۹۲؛ به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰).

مقیاس خودشناسی: این مقیاس توسط قربانی، واتسون و هرگیس (۲۰۰۸) ساخته شده که دارای ۱۲ گویه بوده و وجوه خودشناسی (تجربه‌ای و تأملی) را به نحو یکپارچه و در قالبی واحد و با استفاده از مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت، موردسنجش قرار می‌دهد. پایایی این مقیاس در یک گروه ۲۳۰ نفری از دانشجویان دانشگاه تهران چنین بود: ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌ی خودشناسی تجربه‌ای ۰/۹۰ و برای خودشناسی تأملی ۰/۸۴ بود. اعتبار این مقیاس نیز با بررسی رابطه‌ی آن با مقیاس‌های زیر سنجیده شد، مقیاس خودآگاهی، مقیاس هوش هیجانی، مقیاس استرس ادراک شده، مقیاس افسردگی و اضطراب و مقیاس ارزش خود. در تمامی موارد همبستگی‌های به دست آمده معنادار بود که نشان از اعتبار ملاکی مقیاس خودشناسی داشت (طهماسب، قربانی و پورحسین، ۱۳۸۵). اعتبار و پایایی مطلوب مقیاس خودشناسی نیز در پژوهش‌های پیشین به طرق مختلف به تأیید رسیده است (Tahmasb, Ghorbani, Watson, & Hargis, 2008). مجموع نمرات در این مقیاس نشان‌دهنده میزان خودشناسی آزمودنی است. هر چه نمره فرد بالاتر باشد خودشناسی فرد نیز بالاست.

استفاده از فضای مجازی: در این پژوهش از نمرات خودگزارشی آزمودنی‌ها برای سنجش میزان استفاده از فضای مجازی استفاده شد. به این صورت که تعداد ساعاتی را که آزمودنی در ۲۴ ساعت شبانه‌روز از شبکه‌های اجتماعی مجازی از جمله تلگرام، اینستاگرام،

واتس‌آپ، ایمو، لاین، فیس‌بوک استفاده می‌کرد در پرسشنامه ثبت می‌کرد.

روش اجرای پژوهش

پس از تعیین جامعه‌ی هدف و برآورد نمونه موردنیاز جهت انجام این پژوهش، از آنجاکه بر آن بودیم، نمونه انتخاب‌شده تا حد امکان معرف جامعه باشد و نتایج پژوهش را بتوان به دانشجویان دانشگاه ملایر تعمیم داد، ابتدا نام تمامی دانشکده‌های دانشگاه ملایر (دانشکده ادبیات، دانشکده ریاضی و آمار، دانشکده عمران، دانشکده فنی‌مهندسی، دانشکده کشاورزی، دانشکده علوم پایه و دانشکده محیط‌زیست)، بر روی کاغذ نوشته و به‌طور تصادفی چهار دانشکده را (دانشکده عمران، دانشکده ادبیات، دانشکده کشاورزی و دانشکده ریاضی و آمار) انتخاب کردیم. سپس از هر دانشکده نیز به‌طور تصادفی دو کلاس انتخاب شد. سپس برای جمع‌آوری داده‌ها، پژوهشگر در هر کلاس حضور یافته و ابتدا خود را معرفی نموده و هدف از پژوهش حاضر را به‌صورت واضح و مختصر توضیح می‌داد و ضمن اطمینان بخشیدن به شرکت‌کنندگان برای محرمانه ماندن اطلاعات از آن‌ها خواسته شد که با تمرکز و دقت کافی به سؤالات پرسش‌نامه‌های پژوهش پاسخ دهند، سپس پرسشنامه‌ها در بین آزمودنی‌ها توزیع شد و به‌صورت گروهی پاسخ داده شد. پژوهشگر برای رفع مشکلات و سؤالات احتمالی آزمودنی‌ها در محل حضور داشت. درنهایت پرسشنامه‌ها جمع‌آوری و توسط نرم‌افزار SPSS (نسخه ۲۲) موردبررسی قرار داده شد.

یافته‌ها

با توجه به سؤالات و فرضیه‌های پژوهش، برای مقایسه گروه‌های نمونه (دختر و پسر)، در متغیرهای پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده شد. قبل از انجام این آزمون مفروضه نرمال بودن توزیع نمرات با توجه به آزمون کالموگروف اسمیرنوف سنجیده شد. مطابق جدول ۱- با توجه به نمره Z به‌دست آمده و سطح معناداری ($P > 0/05$) که مبتنی بر تأیید فرض صفر است

داده‌های موردنظر دارای توزیعی نرمال است.

جدول ۱. بررسی نرمال بودن اطلاعات با توجه به آزمون کالموگروف اسمیرنف

متغیر شاخص	خودشناسی	دلستگی ایمن	دلستگی دوسوگرا	دلستگی اجتنابی	میزان استفاده از شبکه‌ها
میانگین	۴۱/۰۸	۱۵/۷۶	۱۳/۴۷	۱۳/۵۴	۴/۱۰
انحراف معیار	۶/۵۵	۳/۱۶	۳/۴۴	۳/۵۹	۲/۷۷
نمره Z	۰/۹۴	۱/۱۳	۱/۲۳	۱/۱۷	۰/۸۷
سطح معناداری	۰/۳۳	۰/۱۶	۰/۰۹	۰/۱۳	۰/۴۳

از آنجا که محل زندگی دانشجویان (خوابگاه و غیر خوابگاه) می‌تواند متغیر تأثیرگذاری باشد، تحلیل جداگانه‌ای برای این متغیر انجام شد. همان‌طور که در جدول ۲- مشاهده می‌شود تفاوت معناداری بین دانشجویان خوابگاهی و غیر خوابگاهی در این متغیرها وجود ندارد.

جدول ۲. مقایسه دو گروه خوابگاهی و غیر خوابگاهی در سبک‌های دلستگی و خودشناسی

منبع واریانس	متغیر	مجموعه مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب اینتا
محل زندگی (خوابگاهی و غیر خوابگاهی)	خودشناسی	۲/۴۲	۱	۲/۴۲	۰/۶۰	۰/۸۱	۰/۰۰
	سبک دلستگی اجتنابی	۱/۹۲	۱	۱/۹۲	۰/۱۵	۰/۶۹	۰/۰۱
	سبک دلستگی دوسوگرا	۴۳/۱۹	۱	۴۳/۱۹	۳/۶۹	۰/۵۶	۰/۰۲
	سبک دلستگی ایمن	۰/۵۰	۱	۰/۵۰	۰/۰۱	۰/۹۰	۰/۰۰

پس از بررسی مفروضه‌های تحلیل واریانس چند متغیری در مورد اطلاعات به‌دست آمده، تحلیل اصلی با ورود ارزش‌های متغیرهای مربوط انجام شد. جدول ۳- نتایج مقایسه دانشجویان دختر و پسر در متغیرهای میزان استفاده از شبکه‌های مجازی، خودشناسی و سبک‌های دلستگی را نشان می‌دهد.

جدول ۳. مقایسه دو گروه دانشجوی دختر و پسر در متغیرهای پژوهش

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	مجموعه مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F
میزان استفاده از شبکه‌ها	پسر	۴/۵۵	۲/۷۹	۴۸/۸۵	۱	۴۸/۸۵	۶/۳۶**
	دختر	۳/۶۰	۲/۶۷				
خودشناسی	پسر	۴۰	۶/۳۹	۲۰۸/۳۳	۱	۲۰۸/۳۳	۴/۶°
	دختر	۴۲	۶/۶۲				
دل بستگی ایمن	پسر	۱۵/۶۰	۲/۸۸	۶/۵۰	۱	۶/۵۰	۰/۶۵
	دختر	۱۵/۹۶	۳/۴۷				
دل بستگی اجتنابی	پسر	۱۴/۳۲	۳/۵۳	۱۴۵/۳۵	۱	۱۴۵/۳۵	۱۱/۷۵**
	دختر	۱۲/۶۵	۳/۴۵				
دل بستگی دوسوگرا	پسر	۱۳/۷۵	۳/۵۸	۲۷/۸۹	۱	۲۷/۸۹	۲/۳۸
	دختر	۱۳/۱۵	۳/۲۷				

** P < ۰/۰۱ ° P < ۰/۰۵

همان‌طور که در جدول ۳- نشان داده شده است، دو گروه دختر و پسر در متغیرهای میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی ($P < ۰/۰۱$)، خودشناسی ($P < ۰/۰۵$) و سبک دل بستگی اجتنابی ($P < ۰/۰۱$) تفاوت معنی‌دار دارند. با توجه به میانگین‌های حاصل شده در جدول، پسران در عین حال که بیشتر از دختران از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند، دل بستگی اجتنابی بیشتر و خودشناسی کمتری از آن‌ها دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین دانشجویان دختر و پسر در دل بستگی ایمن و دوسوگرا وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تفاوت‌های جنسیتی که در دختران و پسران وجود دارد، هدف این پژوهش بررسی تفاوت‌های دانشجویان دختر و پسر در میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، با بررسی سبک‌های دل بستگی و خودشناسی بود. طبق نتایج به دست آمده در جدول ۳ فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شود. پسران بیشتر از دختران از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند که این نتایج با پژوهش‌های دیووفر و همکاران (۲۰۱۶) لاکونی، تریکارد،

چابرو (۲۰۱۵) منون، نارنیا و کاویچی (۲۰۱۸)، خدایاری و همکاران (۱۳۹۳)، اُدیک و چیکریکچی (۲۰۱۴)، جی و همکاران (۲۰۱۴)، حسینی‌بهشتیان (۱۳۸۹) و مرادی و همکاران (۱۳۹۳) مبنی بر میزان استفاده متفاوت از شبکه‌های اجتماعی مجازی در دختران و پسران، همسو است. برای مثال منون و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان دادند که مردان بیش از زنان از اینترنت استفاده می‌کنند. در تبیین این یافته می‌توان گفت دختران در مقایسه با پسران ارتباطات کلامی بیشتری دارند و همین امر باعث می‌شود در ارتباطات واقعی‌شان، روابطی را برقرار کنند، اما پسران در پی ارضای نیاز به ارتباط با دیگران نیاز بیشتری را به فضای مجازی احساس می‌کنند. از طرفی با توجه به فرهنگ جامعه ایران بخصوص در بین قشر جوان که شروع ارتباط بین دوجنس از سوی پسران صورت می‌گیرد و از طرفی حدود اخلاقی و دینی مانع ارتباط آزاد با جنس مخالف است، برخی از پسران در فضای مجازی این حدود و کنترل‌های اجتماعی را احساس نکرده و سعی بیشتری در استفاده از این فضا جهت ایجاد ارتباط با جنس مخالف می‌کنند. هرچند این یافته در ارتباط با یافته‌های دیگر پژوهش حاضر نیز قابل تبیین است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۳- بین سبک دلبستگی اجتنابی دختران و پسران دانشجو تفاوت معنادار وجود دارد، با توجه به میانگین، پسران بیش از دختران سبک دلبستگی اجتنابی دارند؛ که با پژوهش حسینی خواه و واحدیان (۱۳۹۰) نا همسو است. در پژوهش اخیر بین سبک دلبستگی دختران و پسران تفاوت وجود ندارد. یافته‌ها در مورد رابطه سبک‌های دلبستگی و جنسیت متناقض بوده و علت احتمالی این مسئله مربوط به نوع نمونه‌هایی است که در پژوهش‌ها مورداستفاده قرار می‌گیرد. در مورد پژوهش حاضر، علت احتمالی اینکه پسران بیشتر از دختران سبک دلبستگی اجتنابی را نشان می‌دهند می‌تواند به مهارت‌ها ارتباطی به‌ویژه ارتباطات کلامی آن‌ها مربوط باشد. از سوی دیگر، بنا به تعریف بالبی از دلبستگی اجتنابی (Ainsworth & Bowlby, 1991)؛ به نقل از Xiang & Liu (۲۰۰۱) که اشاره به تلاش برای از دست دادن پدر و مادر جهت رسیدن به استقلال کامل دارد، در بین دانشجویان پسر که در مرحله‌ای از رشد قرار دارند و به دلیل اقتضائات

فرهنگی می‌خواهند از خانواده خود مستقل شوند، استفاده زیاد از فضای مجازی می‌تواند دوره‌های برگشتی در این مسیر باشد. پژوهش‌های اللهیاری، حیدری و ژیان (۱۳۹۴)، قمری کیوی و مجرد (۱۳۹۵)، مغنی‌زاده و وفایی (۱۳۹۵) نشان داده‌اند که بین سبک دلبستگی اجتنابی و میزان استفاده از شبکه‌های مجازی رابطه وجود دارد. از طرفی چون سبک دلبستگی اجتنابی با اعتمادبه‌نفس (احدی، ۱۳۸۷)، کمرویی (روشن‌قیاس، یوسف-پور، اندرواژ و خلیلی، ۱۳۹۵)، ابراز وجود (صدیقی‌ارفعی و نجاریان، ۱۳۹۴)، اضطراب اجتماعی (بهشتیان و روزبهبانی، ۱۳۹۵)، رابطه منفی دارد، می‌توان گفت پسران در این پژوهش به دلیل داشتن سبک دلبستگی اجتنابی می‌توانند دارای اضطراب اجتماعی، اعتمادبه‌نفس و ابراز وجود پایینی باشند که احتمالاً برای جبران این ضعف خود به شبکه‌های اجتماعی مجازی روی می‌آورند و ساعات بیشتری را در این شبکه‌ها سپری می‌کنند.

هم‌چنین، جدول ۳- بیانگر وجود تفاوت در خودشناسی بین دختران و پسران است. خودشناسی در پسران پایین‌تر از دختران است که در تبیین این یافته می‌توان گفت چون زنان ارتباطات کلامی و اجتماعی بیشتری با دیگران دارند و میل به ابراز عواطف و هیجانات خود را بیشتر از مردان تجربه می‌کنند، این یک امر عادی به نظر می‌رسد که طی روابط حقیقی به شناخت نسبتاً بالایی از خود برسند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت شناخت خود از طریق ارتباطات کلامی باعث رفتارهای خودتنظیمی بیشتری در دختران شده که به‌نوبه خود استفاده مفرط از فضای مجازی را به‌عنوان یکی از رفتارهای اعتیادی و مهارگسیخته کاهش می‌دهد، اما به نظر می‌رسد این شناخت از طریق فضای مجازی که در پسران بیشتر از دختران است نمی‌تواند به طرز صحیحی صورت گیرد. روابط کلامی زیاد در پسران از طریق فضای مجازی در تعارض با ارتباطات کلامی حقیقی در محیط واقعی قرار می‌گیرد؛ بنابراین طبیعی است که در مورد پسران میزان استفاده‌ی بالا از فضای مجازی با خودشناسی پایین همراه باشد. ارضای سالم نیاز به ارتباط با دیگران مستلزم یک آگاهی و خودشناسی از این نیاز است. فرض بر این است که استفاده زیاد از فضای مجازی روش

پاتولوژیک ارضای این نیاز است و این خود به دلیل خودشناسی پایین و عدم آگاهی از این نیاز بنیادین و نحوه ارضای سالم این نیاز است.

در تبیین نتایج پژوهش حاضر به صورت کلی می‌توان گفت که میزان استفاده از شبکه‌های مجازی در پسران ممکن است به خاطر فرهنگ حاکم جنسیت باشد که در آن سبک دلبستگی متفاوتی را در سن خاص دانشجویی در پسران ایجاد کرده و از سویی تفاوت‌های عصبی-شناختی دختران و مهارت‌های کلامی آنان منجر به خودشناسی بالا در آنان شده و این امر استفاده از فضای مجازی را در آنان کاهش می‌دهد. به طور خلاصه، یافته‌های پژوهش حاضر تلویحات مهمی را برای والدین، مربیان و متولیان آموزش و پرورش در جهت ایجاد سبک دلبستگی ایمن، آموزش و مداخلات روان‌شناختی در راستای ارتقای خودشناسی و بهبود روابط بین فردی در پسران فراهم می‌کند.

منابع

- آقا یوسفی، علیرضا؛ سراوانی، شهرزاد؛ زراعتی، رقیه؛ رازقی، فاطمه السادات؛ پور عبدل، سعید. (۱۳۹۴). «پیش‌بینی عملکرد تحصیلی دانش آموزان بر اساس سبک‌های دلبستگی و سطوح مختلف سازگاری»، *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، دوره ۲۱، شماره ۴، صص ۳۰۸-۳۱۶.
- احدی، بتول. (۱۳۸۷). «رابطه احساس تنهایی و عزت‌نفس با سبک‌های دلبستگی دانشجویان». *مطالعات روان‌شناختی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء*، دوره ۵، شماره ۱، صص ۹۵-۱۱۲.
- افراسیابی، محمدصادق. (۱۳۹۳). «شبکه‌های اجتماعی را جدی بگیریم»، *مدیریت ارتباطات تحلیلی، آموزشی و اطلاع‌رسانی*، شماره‌های ۴۶ و ۴۷، صص ۶۹-۶۶.
- الهیاری، عباسعلی؛ حیدری، سعید؛ ژیان، فرشاد. (۱۳۹۴) «نیمرخ سبک‌های دلبستگی، اعتیاد به تلفن همراه و نحوه استفاده از آن در دانشجویان»، *مجله‌ی روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۸۷-۱۰۳.
- بشارت، محمدعلی؛ غفوری، بهاره؛ رستمی، رضا. (۱۳۸۶). «مقایسه سبک‌های دلبستگی بیماران مبتلا به اختلال‌های مصرف مواد و افراد غیرمبتلا». *مجله پژوهشی دانشکده پزشکی*، دوره ۳۱، شماره ۳، صص ۲۷۲-۲۶۵.
- بهشتیان، محمد؛ روزبھانی، مرتضی. (۱۳۹۵). «پیش‌بینی اضطراب اجتماعی بر اساس سبک دلبستگی و ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی». *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، دوره ۶، شماره ۲۴، صص ۳۳-۱۷.
- حسین ثابت، فریده؛ جهانگرد، زهرا؛ معتمدی، عبدالله. (۱۳۹۵). «رابطه بین هوش هیجانی، سبک‌های دلبستگی و همبستگی خانوادگی با استفاده از فیس‌بوک در کاربران». *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، دوره ۲ شماره ۶، صص ۲۳-۱.
- حسینی بهشتیان، محمد. (۱۳۹۰). «مقایسه وضعیت اعتیاد به اینترنت در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های دولتی شهر تهران». *پژوهش‌نامه زنان، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۴۲-۲۳.
- حسینی‌خواه، نجمه؛ واحدیان، مجتبی. (۱۳۹۰). «مقایسه‌ی سبک‌های دلبستگی و خلاقیت در

دانشجویان دختر و پسر». *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۰۸-۸۶

جعفری، فاطمه؛ کردی، ناهید؛ تاجیک اسماعیلی؛ سمیه. (۱۳۹۶). «میزان و نوع استفاده از نرم‌افزارهای جانبی تلفن همراه (همچون تلگرام، وایبر و...) در میان زنان ۲۰ تا ۳۰ سال منطقه ۵ تهران». *فصلنامه علوم خبری*، شماره ۲۲، صص ۱۸۳-۲۱۲.

خانیک، هادی. (۱۳۹۴). «بازخوانی ارتباطات در ایران؛ از مفهوم وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها تا مطالعات رسانه‌های نوین». *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۸-۳.

خدایاری، کثوم؛ دانشورحسینی، فاطمه؛ سعیدی، حمیده. (۱۳۹۳). «میزان و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد)». *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۱۹۲-۱۶۷.

داوودی، فریبا؛ مهربانی‌زاده‌هنرمند، مهناز؛ هاشمی، اسماعیل. (۱۳۹۶). «رابطه علی سبک‌های دلبستگی ناایمن با آمادگی به اعتیاد، از طریق میانجی‌گری ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های هویت در دانشجویان». *فصلنامه اعتیاد پژوهی سوءمصرف مواد*، دوره ۱۱، شماره ۴۲، صص ۱۴۰-۱۲۵.

روشن‌قیاس، عماد؛ یوسف‌پور، غلام؛ اندرواژ، طیبه؛ خلیلی، سلمان. (۱۳۹۵). «مطالعه رابطه سبک دلبستگی و هویت با کم‌رویی در دانش‌آموزان پسر (مقطع اول ناحیه ۲ ساری)». *ماهنامه پژوهش ملل*، دوره ۱، شماره ۱۲، صص ۹۰-۷۳.

سهرابی، بابک؛ رئیسی، ایمان؛ طالبیان، مرضیه. (۱۳۹۵). «ارائه الگویی برای تحلیل رفتار کاربران شبکه‌های اجتماعی با استفاده از روش‌های داده‌کاوی: مطالعه موردی یک شبکه اجتماعی در ایران». *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی*، شماره ۲۴، صص ۱۰۶-۸۳.

صدیقی‌ارفعی، فربرز؛ نجاریان، زکيه. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با ابراز وجود در دانشجویان دانشگاه‌های کاشان». *رویش روان‌شناسی*، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۴۸-۳۵.

صراف‌زاده، مریم؛ علوی، سهیلا. (۱۳۹۲). «جایگاه شبکه‌های اجتماعی آنلاین در میان دانشجویان کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی». *تعامل انسان و اطلاعات*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۴-۵۹.

مقایسه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سبک‌های ...؛ قاسمی‌پور و سعیدی | ۲۰۳

طهماسب، علیرضا؛ قربانی، نیما؛ پورحسین، رضا. (۱۳۸۵). «خودشناسی انفکاک‌ی و انسجامی: رابطه‌ی وجوه خودشناسی با پنج عامل بزرگ شخصیت». *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، دوره ۳۶، شماره ۱ و ۲، صص ۷۶-۵۷.

عدلی پور، صمد؛ میرمحمدتبار، سید احمد؛ افشار، سیمین؛ سهرابی، مریم. (۱۳۹۴). «تأثیر شبکه‌های اجتماعی کلوپ بر سرمایه اجتماعی دختران و زنان شهر تبریز»، *مجله مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، شماره ۱۹، صص ۷۱-۴۹.

فرقانی، محمدمهدی؛ مهاجری، ربابه. (۱۳۹۷). «رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های مجازی و تغییر در سبک زندگی جوانان»، *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۲۹۲-۲۵۹.

قاسمی‌پور، یداله. (۱۳۸۵). «رابطه بین ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و بهوشمندی در بیماران عروق کرونر قلب». پایان‌نامه کارشناسی ارشد (چاپ‌نشده). دانشگاه تهران.

قمری گیوی، حسین؛ مجرد، آرزو (۱۳۹۵). «پیش‌بینی گرایش به اعتیاد با استفاده از سبک دل‌بستگی و تکانشگری»، *مجله سلامت و مراقبت*، دوره ۱۸، شماره ۱، صص ۲۸-۱۸.

مرادی، شهاب؛ رجب‌پور، مجتبی؛ کیان‌ارثی، فرحناز؛ حاجلو، نادر، رادبخش، ناهید. (۱۳۹۳). «انگیزه‌های استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی». *مجله فرهنگی در دانشگاه اسلامی*، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۱۸-۹۶.

مظاهری‌نژادفرد، گلناز؛ معتمدی، عبدالله؛ زیودار، نجمه؛ پوراسدی، زهره؛ شاهواروقی‌فراهانی. (۱۳۹۵). «نقش هیجان‌های منفی و سبک‌های دل‌بستگی در پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت».

پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۵۸-۴۰.

مغنی زاده، زهرا؛ وفایی‌نجان، علی. (۱۳۹۵). «رابطه‌ی بین سبک‌های دل‌بستگی با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان»، *مجله اصول بهداشت روانی*، دوره ۱۸، شماره ۴، صص ۲۲۶-۲۲۰.

میرغفوری، حبیب‌اله؛ شفیعی رودپشتی، میثم. (۱۳۸۹). «تجزیه و تحلیل شکاف جنسیتی در کاربری اینترنت دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه یزد)». *پژوهش‌نامه زنان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۴۸-۱۲۷.

Ainsworth, M. D. S. (1967). *Infancy in Uganda: Infant care and the growth of love*. Baltimore, Johns Hopkins University Press.

Blackwell, D., Leaman, C., Tramposch, R., Osborne, C., & Liss, M. (2017).

- “Extraversion, neuroticism, attachment style and fear of missing out as predictors of social media use and addiction”, *Personality and Individual Differences*, 116(1), 69-72.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Attachment*, New York: Basic Books.
- Dufour, M., Brunelle, N., Tremblay, J., Leclerc, D., Cousineau, M. M., Khazaal, Y., Le'gare', A. A. Rousseau, M., & Berbiche, D. (2016). “Gender difference in internet use and internet problems among Quebec high school students”. *The Canadian Journal of Psychiatry*, 61(10), 663-668.
- Else, T. L. (2018). “The role of couple sleep concordance in subjective sleep quality: attachment as a moderator of associations”. Theses and Dissertations Psychology. 133. [https://uknowledge.uky.edu/psychology_etds/133].
- Fraley, R. C., & Hudson, N. W. (2017). “The development of attachment styles”. In *Personality Development Across the Lifespan* (pp. 275-292). [Elsevier Inc. https://doi.org/10.1016/B978-0-12-804674-6.00017-X].
- Gámez-Guadix, M. (2014). “Depressive symptoms and problematic Internet use among adolescents: Analysis of the longitudinal relationships from the cognitive-behavioral model”. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 17 (11), 714–719.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Bing, M. N., Davison, H. K., & LeBreton, D. (2003). “Two faces of self-knowledge: Cross-cultural development of measures in Iran and United States”, *Genetic, Social, and General Psychology Monographs*, 129(3), 238-268.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., & Hargis, M. B. (2008). “Integrative self-knowledge scale: Correlations and incremental validity of a cross-cultural measure developed in Iran and United States”, *The Journal of Psychology*, 142(4), 395-412.
- Ha, Y. M., & Hwang, W. J. (2014). “Gender differences in internet addiction associated with psychological health indicators among adolescents using a national web-based survey”, *International Journal of Mental Health and Addiction*, 12(5), 660–669.
- Ji, Y., Wang, G. J., Zhang, Q., & Zhu, Z. H. (2014). “Online social networking behaviors among Chinese younger and older adolescent: The influences of age, gender, personality, and attachment styles”, *Computers in Human Behavior*, 41, 393-402.
- Konok, V., Gigler, D., Bereczky, B., M., & Miklósi, A. (2016). “Humans' attachment to their mobile phones and its relationship with interpersonal attachment style”, *Computers in Human Behavior*, 61, 537- 547.

- Laconi, S., Tricard, N., & Chabrol, H. (2015). "Differences between specific and generalized problematic Internet uses according to gender, age, time spent online and psychopathological symptoms", *Computers in Human Behavior*, 48, 236-244.
- Lee, Y. H., Ko, Ch. H., & Chou, Ch. (2015). "Re-visiting Internet Addiction among Taiwanese Students: A Cross-Sectional Comparison of Students' Expectations, Online Gaming, and Online Social Interaction", *Journal of Abnormal Child Psychology*, 43(3), 589-599.
- Menon, S., Narayanan, L., & Kahwaji, A. T. (2018). "Internet addiction: A research study of college students in India", *Journal of Economics and Business*, 1(1), 100-106.
- Meredith E. D. (2018). "I love the product, but will you? The role of interpersonal attachment styles in social projection", *Psychology & Marketing*, 35(3), 197-209.
- Meredith E. D., & Bearden, W. O. (2017). "The role of interpersonal attachment styles in shaping consumer preferences for products shown in relational advertisements", *Personality and Individual Differences*, 109(15), 44-50.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2004). Security-Based Self-Representations in Adulthood: Contents and Processes. In W. S. Rholes & J. A. Simpson (Eds.), *Adult attachment: Theory, research, and clinical implications* (p. 159-195). Guilford Publications.
- Oberst, U., Wegmann, E., Stodt, B., Brand, M., & Chamarro, A. (2017). "Negative consequences from heavy social networking in adolescents: The mediating role of fear of missing out", *Journal of Adolescence*, 55, 51-60.
- Odacı, H., & Çıkrıkçı, O. (2014). "Problematic internet use in terms of gender, attachment styles and subjective well-being in university students", *Computers in Human Behavior*, 32, 61-66.
- Pugh S. (2017). "Investigating the relationship between smartphone addiction, social anxiety, self-esteem, age & gender". [<https://esource.dbs.ie/handle/10788/3329>].
- Tahmasb, A. M., Ghorbani, N., & Watson, P. J. (2008). "Relationships between Self- and peer-reported integrative self-knowledge and the Big Five factors in Iran", *Current Psychology*, 27(3), 169-176
- Tanner, S. (2018). "*The Relationship Between Attachment, Self Regulation, and Resilience in Undergraduate Students' College Adjustment*". (Unpublished doctoral dissertation) Walden University, USA.
- Vaccari, A., Jia, Y., Ge, J., & Moreels, P. (2018). "Location based content promotion on online social networks", *U.S. Patent No. 9,910,479*. Washington, DC: U.S. Patent and Trademark Office.
- Xiang, S., & Liu, Y. (2018). "Understanding the joint affects of perceived

parental psychological control and insecure attachment styles: A differentiated approach to adolescent autonomy”, *Personality and Individual Differences*, 126(1), 12-18.

استناد به این مقاله: قاسمی‌پور، یداله، سعیدی، فریبا. (۱۴۰۱). مقایسه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سبک‌های دلبستگی و خودشناسی در بین دانشجویان دختر و پسر، *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، ۳۰(۸)، ۱۸۱-۲۰۶.

DOI: 10.22054/nms.2022.34705.554

New Media Studies is licensed under a Creative Commons



Attribution-NonCommercial 4.0 International License..